

بنام خالق یکتا

زبان حال مادر مرحوم انجنیر محمد عصیم کوشان*

عصیم نور چشم، جان مادر
شوم قربان نامت، جان مادر
چرا ترکم نمودی اینچنین زود؟
زدی آتش بجانم، جان مادر
چه دیدی از من آواره آخر؟
که ترکم کرده رفتی، جان مادر
بگشتی غرق به دریا، دور میهن
شهادت شد نصیبت، جان مادر
توبا، بابات بُدی همکار و همیار
رهایش کردی تنها، جان مادر
پدر قدش خمید از رفتن تو
به مادر رحم نکردی، جان مادر
چه میشد گرم را با خود ببردی؟
نمی کردی رهایم، جان مادر
پدر را نور چشم، بریان نمودی
زمرگ نابهنگام، جان مادر
به یکباره سفر کردی زپیشم
زدی برهم سرو سامان مادر

چه گویم من به نامزاد عزیزت
کجا رفتی زپیشش، جان مادر
همه خویش و اقارب، در عزایت
به سر، صورت زدند، ریحان مادر
فگندی جمع مان، درمجرم غم
نمودی دوستان، گریان مادر
به رضوان الهی، رفتی جانم
بکردی کلبه ام، زندان مادر
شب شاد عروسیت ندیدم
جگر سوزم نمودی، جان مادر
چه میشد؟ می گذاشتی یک نشانی
برایم ای گل خندان مادر
بُدی با علم و با فرهنگ پسر جان
گل فر هیخته یی بوستان مادر
برم داغ تو با خود، تا قیامت
بُود نا سور جانم، جان مادر
امیدم بود که در ایام پیری
عصایم گردی آخر، جان مادر
غم هجرت مرا مجنون نمودست
ندارم چاره یی، ریحان مادر

بجز صبر از غمت، راه دگر نیست
خدا صبرم دهد، جانان مادر
شبی دیدم بخوابت، نازنینم
که بودی در کنارم، جان مادر
چه خوش کز خواب بیدارم نمیشد
که میبودم به نزدت، جان مادر
دعا دائم نمائیم در حق تو
همه خورد و بزرگ، ریحان مادر
عصیم جان، نامراد رفتی از این دهر
خدا داند ز حالم، جان مادر
بکن بس "حیدری"، نوحه سرائی
که خون شد جاری، از چشمان مادر

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۱، ۱، ۲۰۱۶، سدنی

*-انجنیر محمد عصیم کوشان، پسر آقای محمد قوی کوشان مدیر مسؤل
هفته نامهء وزین "امید" در امریکا، در عنفوان جوانی به دریا غرق و این
جهان فانی را وداع کرد. روحش شادباد!